

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



معاونت پژوهش

به نام خدا

نشر اخلاق پژوهش

بایاری از خداوند سبحان و اعتقاد به این که عالم محضر خداست و همواره ناظر بر اعمال انسان و به منظور پاس داشت مقام بلند دانش و پژوهش و نظریه اهمیت جایگاه دانشگاه در اعتلای فرهنگ و تمدن بشری مادیان شیوان و اعضای، سینت علمی واحد های دانشگاه آزاد اسلامی متعهد می گردیم اصول زیر را در انجام فعالیت های پژوهشی مد نظر قرار داده و از آن تخطی نکنیم:

۱- اصل برائت: التزام به برائت جویی از هر گونه رفتار غیر حرفه ای و اعلام موضع نسبت به کسانی حوزه علم و پژوهش را به شائبه های غیر علمی می آلاینند.

۲- اصل رعایت انصاف و امانت: تعهد به اجتناب از هر گونه جانب داری غیر علمی و حفاظت از اموال، تجهیزات و منابع در اختیار.

۳- اصل ترویج: تعهد به رواج و دانش و اشاء نتایج تحقیقات و انتقال آن به همکاران علمی و دانشجویان به غیر از مواردی که منع قانونی دارد.

۴- اصل احترام: تعهد به رعایت حریم ها و حرمت ها در انجام تحقیقات و رعایت جانب نقد و خودداری از هر گونه حرمت شکنی.

۵- اصل رعایت حقوق: التزام به رعایت کامل حقوق پژوهشگران و پژوهشگران (انسان، حیوان و نبات) و سایر صاحبان حق.

۶- اصل رازداری: تعهد به صیانت از اسرار و اطلاعات محرمانه افراد، سازمانها و کشور و کلیه افراد و نهاد های مرتبط با تحقیق.

۷- اصل حقیقت جویی: تلاش در راستای پی جویی حقیقت و وفاداری به آن و دوری از هرگونه پنهان سازی حقیقت.

۸- اصل مالکیت مادی و معنوی: تعهد به رعایت کامل حقوق مادی و معنوی دانشگاه و کلیه همکاران پژوهش.

۹- اصل منافع ملی: تعهد به رعایت مصالح ملی و در نظر داشتن پیشبرد و توسعه کشور در کلیه مراحل پژوهش



دانشگاه آزاد اسلامی

واحد تهران مرکز

دانشکده روانشناسی و علوم اجتماعی، گروه علوم تربیتی

گرایش: تاریخ و فلسفه

عنوان:

بررسی میزان کارایی و اثربخشی مدارس هوشمند و عادی دخترانه شهر تهران

در سال تحصیلی ۹۰-۸۹

استاد راهنما:

دکتر سید فرهاد افتخارزاده

استاد مشاور:

دکتر لطف الله عباسی

پژوهشگر:

زهرا اربابیان

تابستان ۹۱

«من لم یسکر المخلوق لم یسکر الخالق»

بسی شایسته است که از اساتید فریخته و فرزانه جناب آقایان دکتر فرهاد فتحارزاده و دکتر لطف ا. . عباسی و داور معزز سرکار خانم دکتر نصیری که با کرامتی چون خورشید، سرزمین دل را روشنی بخشیدند و گلشن سرای علم و دانش را بار اهنایی های کارساز و سازنده بارور ساختند؛ تقدیر و تسکیر بنمایم.

همچنین از پدر و مادر عزیزم که با حمایت های خودزینہ تحصیل و کسب علم را برای من غراهم نموده تا مراتب تحصیلی و پایان نامه درسی خود را به نحو احسن به اتمام برسانم؛ سپاسگزاری بنمایم.

سگر خدا که هر چه طلب کردم از خدا برشتهای همت خود کامران شدم

تعهد نامه اصالت پایان نامه کارشناسی ارشد

اینجانب زهرا اربابیان دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد ناپیوسته به شماره دانشجویی ۸۸۰۸۳۶۹۴۰۰ در رشته علوم تربیتی-تاریخ و فلسفه که در تاریخ ۹۱/۶/۱۶ از پایان نامه خود تحت عنوان: بررسی میزان کارایی واثر بخشی مدارس هوشمند و عادی دخترانه شهر تهران در سال تحصیلی ۹۰-۸۹ با کسب نمره ۱۹/۵ و درجه عالی دفاع نموده ام بدینوسیله متعهد می شوم:

۱- این پایان نامه حاصل تحقیق و پژوهش انجام شده توسط اینجانب بوده و در موارد که دستاوردهای علمی و پژوهشید یگران (اعم از پایان نامه، کتاب، مقاله و...) استفاده نموده ام، مطابق ضوابط و رویه های موجود نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در فهرست ذکر و درج کرده ام.

۲- این پایان نامه قبلاً برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح، پایین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاه و موسسات آموزش عالی ارائه نشده است.

۳- چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده و هر گونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت اختراع و... از این پایان نامه داشته باشم، از حوزه معاونت پژوهشی واحد مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم.

۴- چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را بپذیرم و واحد دانشگاهی مجز است با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام هیچگونه ادعایی نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگی:

تاریخ و امضاء

بسمه تعالی

در تاریخ: ۹۱/۶/۱۶

دانشجوی کارشناسی ارشد آقای / خانم **زهرا اربابیان** از پایان نامه خود دفاع نموده و با نمره ۱۹/۵ بحروف نوزده ونیم و با درجه **عالی** مورد تصویب قرار گرفت.

امضاء استاد راهنما

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
فصل اول: کلیات پژوهش	۱
۱-۱- مقدمه	۲
۲-۱- بیان مسأله	۴
۳-۱- اهمیت و ضرورت پژوهش	۸
۴-۱- اهداف پژوهش	۱۱
۵-۱- هدف کلی	۱۱
۱-۵-۱- اهداف فرعی	۱۱
۶-۱- فرضیه های پژوهش	۱۱
۷-۱- تعاریف مفهومی و عملیاتی واژگان	۱۲
۱-۷-۱- تعاریف مفهومی	۱۲
۲-۷-۱- تعاریف عملیاتی	۱۳
فصل دوم: مبانی نظری و ادبیات و پیشینه	۱۴
۲-۱- مقدمه	۱۵
۲-۲- شیوه تدریس و یادگیری	۱۷
۱-۲-۲- تدریس	۱۷
۲-۲-۲- فرآیند تدریس	۱۸

- ۱۹-۲-۳- هدف تدریس.....
- ۱۹-۳-۲- الگوهای تدریس.....
- ۳۱-۴-۱- فناوری اطلاعات و آموزش و پرورش.....
- ۳۶-۴-۲- چند رسانه ای و آموزش.....
- ۳۹-۵-۱- مدارس هوشمند.....
- ۴۵-۵-۲- تاریخچه پیدایش مدارس هوشمند.....
- ۴۷-۵-۳- شیوه آموزشی.....
- ۴۸-۵-۴- ارزشیابی در مدارس هوشمند.....
- ۴۸-۶-۲- رضایت شغلی.....
- ۵۰-۶-۱- عوامل سازنده رضایت شغلی.....
- ۵۳-۶-۲- عوامل فردی مؤثر بر رضایت شغلی.....
- ۵۴-۷-۲- دیدگاه های تأثیرگذار بر رضایت شغلی.....
- ۵۴-۷-۱- نهضت روابط انسانی.....
- ۵۵-۷-۲- اتحادیه های کارگری.....
- ۵۵-۷-۳- دیدگاه رشد یا ماهیت کار.....
- ۵۶-۸-۲- نظریه های منطبق بر رویکرد نیاز.....
- ۵۷-۸-۱- نظریه کامروایی نیازها.....
- ۵۸-۸-۲- نظریه دو عاملی هرزبرگ.....

۵۹	۹-۲- نظریات منطبق بر رویکرد مقایسه
۶۰	۹-۲-۱- نظریه برابری یا انصاف
۶۲	۹-۲-۲- نظریه مقایسه اجتماعی
۶۳	۹-۲-۳- نظریه محرومیت نسبی
۶۵	۹-۲-۴- نظریه ارزش لاک
۶۵	۲-۱۰-۱- مدارس هوشمند
۷۳	۲-۱۰-۲- رضایت شغلی
۷۸	فصل سوم: روش پژوهش
۷۹	۳-۱- مقدمه
۷۹	۳-۲- روش اجرایی پژوهش
۷۹	۳-۲-۱- جامعه آماری، روش نمونه گیری، حجم نمونه
۸۰	۳-۳- طرح تحقیق
۸۰	۳-۴- ابزار
۸۰	۳-۴-۱- پرسشنامه رضایت شغلی مینه سوتا
۸۱	۳-۴-۲- سایر اطلاعات مورد نیاز
۸۱	۳-۵- روش های آماری
۸۱	۳-۵-۱- روش های آماری جهت بررسی فرضیه ها
۸۲	فصل چهارم: یافته ها

۸۳	۴-۱- مقدمه
۸۳	۴-۲- توزیع فراوانی و ویژگی جمعیت شناختی گروه ها
۸۴	۴-۳- تجزیه و تحلیل داده ها بر اساس فرصیه های تحقیق
۸۸	فصل پنجم: بحث و نتیجه گیری.....
۸۹	۵-۱- مقدمه
۹۰	۵-۲- نتایج تحلیل فرضیات پژوهش
۹۱	۵-۳- محدودیتهای پژوهش
۹۴	۵-۴- پیشنهادهای پژوهشی
۹۷	منابع

فهرست جداول

عنوان	صفحه
جدول ۱-۲: طبقه بندی و تعریف رویکردهای یادگیری	۲۱
جدول ۲-۲: طبقه بندی و تعریف رویکردهای تدریس	۲۲
جدول شماره ۱-۴: ویژگی جمعیت شناختی معلمان	۸۳
جدول شماره ۲-۴: آزمون t مستقل بین دانش آموزان مدارس هوشمند و عادی در نمره معدل	۸۴
جدول شماره ۳-۴: آزمون t مستقل بین دانش آموزان مدارس هوشمند و عادی در نمره ارزشیابی مستمر	۸۵
جدول شماره ۴-۴: آزمون t مستقل بین دانش آموزان مدارس هوشمند و عادی در نمره ارزشیابی پایانی	۸۶
جدول شماره ۴-۴: آزمون t مستقل بین معلمان مدارس عادی و هوشمند در متغیر رضایت شغلی	۸۷

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی میزان کارایی و اثربخشی مدارس هوشمند و عادی دخترانه شهر تهران در سال تحصیلی ۹۰-۸۹ بود. برای سنجش کارایی مدارس، رضایت شغلی معلمان و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان اندازه گیری شد. برای این منظور با استفاده از روش نمونه گیری در دسترس ۱۰۰ معلم (۵۰ معلم مدرسه هوشمند، ۵۰ معلم مدرسه عادی) و ۳۰۰ دانش آموز (۱۵۰ دانش آموز مدرسه هوشمند، ۱۵۰ دانش آموز مدرسه عادی) انتخاب شدند. برای سنجش رضایت شغلی از مقیاس رضایت شغلی مینه سوتا و برای سنجش پیشرفت تحصیلی دانش آموزان از نمرات معدل، نمره ارزشیابی مستمر و پایانی استفاده شد. نتایج نشان داد که پیشرفت تحصیلی دانش آموزان مدارس هوشمند با مدارس عادی از لحاظ آماری تفاوت معنی داری دارد، به عبارتی پیشرفت تحصیلی دانش آموزان مدارس هوشمند بالاتر از مدارس عادی است. همچنین تحلیل میانگین ها با آزمون تفاوت میانگین برای دو گروه مستقل نیز نشان داد که رضایت شغلی معلمان مدارس هوشمند از مدارس عادی بیشتر و این تفاوت از لحاظ آماری معنادار است.

فصل اول

کلیات پژوهش

۱-۱- مقدمه

از زمانی که آموزش رسمی در جوامع بشری رواج یافته، پرورش توانمندی‌های شناختی عالی همانند فهم و درک، استدلال^۱، تفکر، خلاقیت^۲، حل مسأله^۳ و قضاوت مورد تأکید بوده است. طی چند قرن اخیر با توسعه دانش و معلومات بشر و تولید روز افزون اطلاعات و شکل‌گیری مدارس و دانشگاه‌ها، به تدریج برای مدتی نقش به‌خاطر سپاری دانش مورد تأکید واقع شد و پرورش قوای شناختی عالی، اندکی کاهش یافت. اما هیچ‌گاه پرورش و اهمیت آن انکار نشد (بورگستروم^۴، ۱۹۹۱). در چند دهه اخیر، نظام‌های آموزشی و پرورش کشورها به منظور ارتقای توانایی‌های شناختی عالی، به ویژه خلاقیت، حل مسأله و تفکر انتقادی تلاش‌های بسیار کردند، به طوری که به گزارش پارنر و برانلی فقط در طول ۱۸ ماه حدود ۱۲۵۰ کتاب درباره حل مسأله، خلاقیت و تفکر انتقادی به چاپ رسیده است. نسبی و متغیر بودن علوم همراه با حجم بسیار زیاد و روز افزون آن این واقعیت و ضرورت انکار ناپذیر را به وجود آورده است که اگر هدف تعلیم و تربیت کمک به اکتساب و به‌خاطر سپاری دانش باشد، دانش‌آموختگان علاوه بر احساس و اماندگی و سردرگمی در برابر هجوم اطلاعات نمی‌توانند در توسعه دانش و پیشبرد فرایند شناخت و نوآوری کوشا باشند. امروزه همه متخصصان و دست‌اندرکاران آموزش و پرورش بر این باورند که باید یکی از اهداف اصلی آموزش و پرورش، تربیت نسل خلاق و نوآور باشد، بنابراین اصلاح و تغییر اساسی عناصر برنامه‌های

¹ reasoning

² creativity

³ Problem solving

⁴ Buergtrome

آموزشی، یعنی محتوای مورد آموزش، روش تدریس، ارزشیابی، فضای روانی اجتماعی و فضای فیزیکی آموزشگاه از اهمیت بسیار برخوردار است (الوین^۱ و چامدار^۲، ۱۹۹۷).

از میان این عناصر بی‌تردید شیوه تدریس معلم، معمار سازمان شناختی و شیوه ارزشیابی او جهت دهنده انرژی ذهنی، هدایت کننده انگیزش و فعالیتهای آموزشی دانش آموز است. به این ترتیب، اساسی‌ترین نگرانی دست اندرکاران و پژوهشگران چند دهه اخیر آموزش و پرورش، اصلاحات و نوآوری در شیوه تدریس معلم و ساختار مدارس کشور بوده است. به طوری که برآیند این جریان، نقش تدریس به شیوه فعال و درگیر ساختن دانش آموز و استفاده از دانش روز را در پرورش سازمان شناختی خلاق و آفریننده مورد تأکید مکرر قرار داده است (مهری نژاد و پاشا شریفی، ۱۳۸۴).

در نظام های آموزشی سنتی، دانش آموز به چشم موجودی نگاه می‌شود که ذهن او فقط گیرنده صرف اطلاعات و معلومات تلقی می‌شود. به عبارتی موجودی منفعل به حساب می‌آید که هیچ گونه فعالیت ذهنی یا جسمی در فرایند یادگیری انجام نمی‌دهد، این گونه نظام های آموزشی گرایش به رویکردهای سنتی تعلیم و تربیت دارند. در واقع این رویکردها از دانش آموزان موجودات منفعل و وابسته به معلم می‌سازند (ای مایر، ۱۳۷۶، ص ۳).

در مقابل این رویکرد، رویکردهای پیشرفته تعلیم و تربیت، فراگیر را به عنوان محور آموزش تلقی می‌کنند. در این رویکردها به نیازها و علائق فراگیران و دانش و تجارب قبلی آنها به عنوان عوامل موثر در یادگیری توجه می‌شود. بدین منظور روش‌هایی برای رشد دانش و یادگیری در فراگیران انتخاب می‌شود که متناسب با نیازها و علائق و تجارب قبلی آنها باشد. آنچه مهم است، این است که فراگیران در فرایند یادگیری فعال باشند و این فعال بودن فقط به معنای فعالیت جسمی نیست، بلکه هدف فعالیت ذهنی دانش آموزان و ترغیب آنها به تفکر و اندیشیدن درباره مطالب و

¹ Elvin
² chamdes

موضوعات درسی است. روش حل مسأله یکی از روش هایی است که دانش آموزان را به تفکر و اندیشیدن وادار می کند. دیدگاه نظری «روش حل مسأله» مبتنی بر نظریات جان دیویی و رویکرد شناختی می باشد که در این پژوهش بیشتر بر این رویکرد تاکید می شود. جان دیویی به دو نوع یادگیری اشاره می کند، یادگیری فعال و یادگیری منفعل یا به عبارتی فراگیر فعال و فراگیر منفعل.

حال سوال اصلی متخصصان آموزش این است که چگونه می توان از دانش آموزان منفعل، شاگردانی فعال، با بینش علمی و دارای تفکر انتقادی تربیت کرد؟ سیستم آموزشی مدارس باید چگونه باشند که دانش آموزان افرادی دارای روحیه پژوهش گری، فعال و مسأله گرا باشند؟ به عبارت دیگر والدین و مسئولان مدارس چگونه باید فرصت هایی را فراهم کنند تا دانش آموزان بتوانند مطالب آموخته شده را متفکرانه به موقعیت های جدید و مسائل واقعی زندگی انتقال دهند؟ چه روشی را باید در فرآیند آموزش در پیش گرفت تا دانش آموزان روش اندیشیدن، تحلیل و قضاوت درست را بیاموزند؟.

۱-۲- بیان مسأله

در عصر حاضر که عصر دانایی نامیده می شود سازمانها شاهد محیط هایی هستند که روز به روز پویاتر و چالش بر انگیزتر می شوند. تغییر و تحول جزء لاینفک دنیای امروز است، به عبارت دیگر تنها چیز ثابت «تغییر» است. سازمان ها با ساختارهای بزرگ، سنتی و غیر منعطف دیگر قادر به ادامه حیات در چنین محیطی نخواهند بود و در دنیای پرقابوت امروز باید یا تغییر ساختار دهند یا خود را به ابزارهایی برای سازگاری با این تغییرات و کنترل آنها مجهز سازند. امروز به سرمایه های نامشهود و معنوی که همان دانش نامیده می شود؛ به عنوان یک عامل مهم و حیاتی می نگرند. به بیان دیگر سازمان هایی در برابر تغییرات و تحولات موفق و پیروز خواهند بود که بتوانند سرمایه ی نامشهود و معنوی (دانش) خود را بهبود و توسعه بخشند. اما در این میان نکته قابل توجه این است که حصول دانش و دستیابی به اندوخته های دانش سازمان، بدون یادگیری ممکن نمی شود. یادگیری کلید

دستیابی به دارایی های دانش و در نتیجه افزایش سرمایه ی نامشهود است، در این زمینه تافلر^۱ و شون^۲ (۱۹۷۱) و کویست^۳ (۱۹۹۳) دیدگاه های خود را چنین را بیان می کنند که سازمان های امروزی نمی توانند روند سرعت تغییرات را متوقف سازند بلکه تنها نوسانات و بی ثباتی را به فرصت های یادگیری، تطابق و همخوانی مطلوب تبدیل کنند (به نقل از سنجر، ۱۳۷۹ ص ۴۲).

مفهوم فناوری اطلاعات^۴ یک بستر جدید و یک فرهنگ^۵ برای کشف، شناسایی و رشد استعدادهای انسانی در جوامع بشری است و یک جریان مبادله اطلاعات دانش و آگاهی بوده و در نتیجه بر نگرش ها، روش ها و ساختارها تأثیر گذار است. امروزه، آموزش الکترونیک تصویر جدیدی از نظام آموزشی ارائه داده است. به طور کلی، فناوری اطلاعات ممکن است انقلاب عظیمی در فرآیند یاددهی-یادگیری ایجاد نماید. لذا مفهوم فناوری اطلاعات باید کاملاً از رویکرد ابزاری خارج می شود و به عنوان محور توسعه نیروی انسانی مطرح گردد (عبادی، ۱۳۸۳).

قرن حاضر تغییر از جامعه صنعتی به جامعه فراصنعتی یا جامعه اطلاعاتی است و در این میان اطلاعات و دانش، اساسی ترین دانایی انسان ها و ملت ها به شمار می آید. اگر فرهنگ یادگیری-یاددهی در نظام آموزشی تحول نپذیرد نه تنها فناوری اطلاعات و ارتباطات ایجاد تحول نخواهد کرد بلکه به تقویت سنت های محافظه کارانه آموزش خواهد انجامید، زیرا این فناوری اطلاعات نیست که به تنهایی ایجاد تغییر می کند، بلکه انسان ها عامل اصلی تحولند و نیروی انسانی مهمترین عنصر اشاعه و گسترش فناوری اطلاعات است. بی شک یک از مهمترین دستاوردهای توسعه فناوری، تحول در عرصه آموزش و پرورش است. کلاس های مجازی، مدارس مجازی، مدارس هوشمند و دانشگاه مجازی و به طور کلی یادگیری الکترونیک از ظرفیت ها و قابلیت های قابل اتکا برای توسعه این مهارتهاست. واقعیت این است که همه این تحولات به سرعت همه مولفه های آموزش و پرورش را

¹ Toffler

² Schon

³ Koeist

⁴ Informational Technology

⁵ Culture

تحت تأثیر قرار می دهد. با توجه به عمق و سرعت گستردگی این تحولات نمی توان به انتظار نشست بلکه باید با استفاده از تجارب و مطالعات دیگران و با تکیه بر فرهنگ بومی و منابع، راه استفاده از تجارب بشری را فراهم نمود (گری، ۱۳۸۳).

یکی از راهکارهای برخورد منطقی و عقلانی با انقلاب اطلاعات اهتمام به آموزش و پرورش است که ابتدا قدرت مواجهه انسان را بالا ببرد و او را طوری آموزش دهد که به سرعت خود را با تغییرات مداوم انطباق دهد و با ایجاد تحول در بینش، دانش، نگرش و افزایش مهارت های فردی و اجتماعی، انسان ها را فعال و اثرگذار برای مواجهه با تحولات و تغییرات نماید. تحولات جدید در فناوری اطلاعات و ارتباطات، جوامع انسانی را به سمت جامعه اطلاعاتی سوق داده و مسائلی مانند آموزش و تربیت متناسب با نیازهای زمان و جامعه بیشتر مورد توجه قرار می گیرد و انقلاب اطلاعات و ارتباطات تا آنجا اهمیت می یابد که امروزه فردی را با سواد تلقی می کنند که در ۴ زمینه مهارت داشته باشد (خواندن، نوشتن، حساب کردن و سواد فناوری اطلاعاتی و ارتباطی). نهادی که می تواند به امر آموزش و تربیت نیروی انسانی بپردازد، آموزش و پرورش است که جمعیت زیادی در کشور را تحت پوشش قرار می دهد، آموزش و پرورش در عصر حاضر باید بتواند مهارت های مورد نیاز جامعه را شناخته و متناسب با عصر جدید آموزش دهد و از طرف دیگر ابزارهای مورد نیاز آموزش را به کار گیرد و برتر از همه اینها به اصلاح فرآیند زمان خود متناسب با عصر اطلاعات بپردازد. توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات در برنامه های آموزش و پرورش گامی مؤثر و ماندگار است که می تواند تحول کیفی در اهداف، برنامه ها، روش ها و شیوه های تدریس ایجاد نماید و در نتیجه آموزش و پرورش را به دنبال داشته باشد. پیش بینی می شود با توسعه فناوری اطلاعات رویاهای دیرینه و مشکلات حل نشدنی از قبیل کاربردی کردن آموزش و پرورش تمرکز بر توانایی ها و نیازهای یادگیرندگان و نهادینه کردن دانش آموز محوری و تغییر نقش معلم به عنوان راهنمای دانش آموزان و بالاخره اصالت بخشیدن به آموزش مادام العمر تحقق خواهد شد (عبادی، ۱۳۸۳).

در قرن ۲۱ باید دانش آموزان را برای ورود به دنیایی که از اطلاعات و فناوری ریشه گرفته است، آماده کرد و در چنین دنیایی باید دانش آموزان دارای مهارت ها و ادراکاتی باشند تا آنان را به عمل و همکاری قادر نماید (ذوقن، ۱۳۸۳).

طرح مدارس هوشمند گامی جدید در تطابق با عصر اطلاعات است و انقلابی در فرایند یاددهی-یادگیری ایجاد می کند. طرح مدارس هوشمند، زمینه مدارس مجازی را امکانپذیر می سازد، شناسایی عوامل مؤثر شاید گامی در جهت پیشرفت جهانی و همگامی با فناوری اطلاعاتی و ارتباطی باشد. در این قرن، اطلاعات به عنوان کالای استراتژیک، ابزار قدرت و معیار توسعه یافتگی در دنیای کنونی است و مدارس هوشمند اساساً می تواند اطلاعات مناسب را برای دانش آموزان جمع آوری، پردازش و منتشر کند.

در همین راستا، تجربه راه اندازی و اداره مدارس هوشمند در کشور ما، برگرفته از نظام آموزشی مالزی، به سال ۱۳۸۲ باز می گردد؛ یعنی هنگامی که اولین دبیرستان غیرانتفاعی هوشمند (شهید آقایی) در ایران تأسیس شد (ذوقی پور، ۱۳۸۵). بر این اساس، سازمان آموزش و پرورش شهر تهران مجری طرح پایلوت مدارس هوشمند مستند «پروژه نمونه مدارس هوشمند» را در ابتدای سال ۱۳۸۳ برای اجرا در چهار مدرسه مجری طرح آزمایشی مدارس هوشمند (مدارس آبسال منطقه ۴، دکتر مصاحب منطقه ۵، ندای آزادی منطقه ۷ و شهدای کارگر منطقه ۱۵ آموزش و پرورش شهر تهران) طرح کرد (پیش نویس سند راهبردی مدارس هوشمند، ۱۳۸۴).

خوشبختانه اجرای این طرح در حال حاضر در بسیاری از دبیرستانهای شهرهای ایران توسعه یافته و قرار است این طرح نه تنها در دوره دبیرستان در سراسر استانهای کشور اجرا شود، بلکه اجرای آن در دوره ابتدایی نیز مورد بررسی قرار گیرد. لذا در راستای همین اهداف، در پژوهش حاضر محقق قصد دارد به بررسی نقش مدارس هوشمند و استفاده از فناوری اطلاعات در بهبود پیشرفت تحصیلی دانش آموزان و رضایت شغلی معلمان پرداخته و دریابد آیا مدارس هوشمند و